

۵۰۰ کشته و مفقود در سیل گلستان



به گواه تاریخ و رسانه‌هایی که ۱۹ سال پیش قلم‌فرسایی کردند، سیل ۲۰ مرداد ۱۳۸۰، یکی از ویران‌گرترین سیل‌های تاریخ ایران است که در طی آن، ۵۰۰ نفر از هموطنان مان کشته و مفقود شدند. به گفته کارشناسان، حجم تخریب این سیل، حدود پنج هزار کیلومتر بود و بر اساس اعلام سازمان ملل، سیل گلستان در آگوست ۲۰۰۱ سال، رتبه اول تلفات انسانی سیل در جهان را به خود اختصاص داد. علت وقوع سیل از نظر کارشناسان ابتدا بارش باران و سپس از بین رفتن مراتع در استان‌های دیگر بود. در جریان این سیل عرض رودخانه از ۱۰ متر به ۴۰۰ متر افزایش پیدا کرد.

بخشی از گزارش روز ۲۲ مردادماه و دو روز پس از وقوع سیل روزنامه‌ها را بخوانید: «به گفته علی اصغر احمدی، رئیس ستاد حوادث غیرمترقبه و استاندار گلستان، در شرایطی که فرود برای هلیکوپتر امکان پذیر نبوده، امکانات غذایی به میان آسیب‌دیدگان پرتاب شده است. وقوع یک چنین سیلی در یک دوره ۵۰۰ تا هزار ساله در منطقه بی‌سابقه بوده است. گزارش خبرنگار ما به نقل از دبیر ستاد حوادث غیرمترقبه استانداری گلستان همچنین حاکیست ۵ دستگاه اتوبوس مسافربری در جاده تنگراه به سمت مینودشت در اثر این سیل واژگون شدند که متأسفانه هیچ خبری از احتمال کشته یا ناپدیدشدگان وجود ندارد.»

در ادامه پیگیری روزنامه‌ها در ۲۳ مردادماه از سیل ویران‌گر گلستان آمده است: «آمار کشته‌شدگان سیل

فاجعه‌آمیز استان گلستان به ۱۷۵ نفر و تعداد مفقودان به ۱۳۵ نفر رسید. این آمار به دلیل آغاز عملیات تجسس و کشف مفقودین همچنان رو به افزایش است. گزارشات حاکیست یکی از مشکلات جدی این منطقه، تخریب و ویرانی کامل پل معروف به کوسه است که مسیر و محور ترانزیتی گلستان به خراسان است. به گفته مردم محلی، در این منطقه و بر اثر سیل شدید، در حدود ۱۰۰۰ نفر از مردم در مسیر این پل ناپدید شده‌اند. تیم‌های تجسسی بصورت هوایی و زمینی در محورهای تنگراه کلاله، گالیکش تا خروجی جنگل گلستان، عملیات کشف اجساد و مفقودین ادامه دارد.»

در حالی که مسؤولان تلاش می‌کردند تا شرایط استان

گلستان را به حالت عادی برگردانند، اما هنوز بسیاری از اعضای خانواده خود بی‌خبر بودند و نمی‌دانستند زنده هستند یا جان خود را از دست داده‌اند. روزنامه همشهری در گزارش ۲۷ مردادماه خود این چنین نوشت: «با وجود گذشت ۸ روز از سیل ویرانگر، هنوز سرنوشت شمار قابل توجهی از مفقودان سیل نامشخص و جست‌وجو و تلاش برای (یافتن) ۲۴۸ نفر مفقود سیل استان گلستان همچنان ادامه دارد. این در حالی است که فساد اجساد کشته‌شدگان سیل، کار شناسایی را با مشکل مواجه کرده است. بر اساس آخرین خبرهای دریافتی از منطقه سیل زده در اثر این سیل، ۲۱۰ نفر کشته، ۲۴۸ نفر مفقود و ۴۰ نفر مجروح شدند.»

قربانی توهم پدر



توهمات شیشه‌ای

سروان سمانه مهربانی، روان‌شناس و کارشناس آموزش همگانی پلیس آگاهی تهران در این باره می‌گوید: شیشه از جمله موادی است که می‌تواند سبب بروز توهم و رفتارهای خشونت‌آمیز شود و شخص در حالت مصرف این مواد از حالت تعادل روانی خارج شده و قادر به کنترل و تسلط بر رفتار خود نیست و ارتکاب اعمال خشونت‌آمیز از سوی وی محتمل است در حالی که همین شخص شاید در حالت عادی دوست نداشته باشد این رفتارها را مرتکب شود. جرائم و عدم امنیت خانوادگی و اجتماعی این روزها سخت متأثر از مصرف شیشه شده است، بنابراین هرگاه قتل در اثر مصرف این مواد اتفاق بیفتد مسلمان می‌توان گفت: علت قتل بوده است، مصرف شیشه برای فرد حالت توهم ایجاد می‌کند و در حالت توهم، شخص فاقد درک صحیح از واقعیت است و ارتباط او با واقعیت قطع می‌شود. در این حالت است ممکن است مرتکب جنایت حتی علیه نزدیک‌ترین افراد زندگی خود شود.

مثل هر کودک ۸ ساله‌ای سرشار از اشتیاق زیستن بود و عشق ورزیدن و مانند هر پسر بچه‌ای پدرش قهرمان زندگی‌اش بود. اولین آغوشی که برای ترس‌ها و دلهره‌هایش می‌دید و می‌خواست در پناه محبت پدرانه وحشت زیستن در این دنیای پر از ترس و هراس و زشتی را از یاد ببرد. بی‌خبر از این که پدر لذت استعمال شیشه را جایگزین مهر پدری کرده و تنها دغدغه‌اش رسیدن از نشئه‌ای به نشئه‌کردن دیگر و بی‌خبری از دنیا و اطرافیانش است.

بی‌آن که لحظه‌ای به اثرات سوء مصرف شیشه بر قدرت قضاوت و تفکر خود بیندیشد و این که ممکن است در لحظات نشئه و لذت مصرف آن و در گیرودار هجوم توهمات و خیالات باطل چه صدماتی را به اطرافیان خود به خصوص کودک بی‌گناهی که با خود به پارک برده وارد کند.

کودک همراه پدر به پارک رفت بی‌آن که بداند این آخرین باری است که صدای

خنده‌های کودکانه اش در فضا می‌پیچد و ساعتی بعد پدر با دست‌ها و لباس و موتور آغشته به خون به خانه باز می‌گردد.

گیج بود و خواب‌آلود و در برابر پرسش‌های اطرافیان پاسخی نداشت تا بدهد و سریع به حمام رفت و آثار خون را از روی لباس و بدن خود شست و همین موضوع موجب شد تا مادر

بزرگ‌گریان و نگران راهی کلانتری شود و اتفاقی را که رخ داده گزارش بدهد.

بازجویی از پدر و جست‌وجو برای یافتن کودک آغاز شد و پدر در بازجویی‌های اولیه اظهار کرد: همراه پسر در خیابان با چند نفر درگیر شده‌ام و آنها را با چاقو زدم و آنها نیز فرزندم را زدیدند که طی مراجعه پلیس به محل و پرس و جواز

اهالی معلوم شد چنین اتفاقی در آن جارخ نداده و همچنین آثار خونریزی نیز در محل مشاهده نشد. بعد از مشخص شدن قضیه، حامد اظهار کرد: دروغ گفتم. هیچ اطلاعی از فرزندم ندارم و در منزل خواب بودم و آن روز اصلاً بیرون نرفتم، خانواده‌ام فرزندم را کشتند و لباس‌هایم را خونی کردند تا برایم پاپوش درست کنند.

خواهر حامد نیز گفت: برادرم از لحاظ روانی مشکل دارد. معتاد به شیشه است و نزدیک به یکسال است که همسرش از وی به دلیل اعتیاد جدا شده است. در نهایت با گزارش شهروندان جسد کودکی ۸ ساله در حالی که گلویش با چاقو بریده شده بود در پارک پیدا شد. در ادامه مشخص شد، پدر با فرزند بیرون می‌رود و به دلیل این که موتورش را به تازگی خریده بود و بخاطر توهم ناشی از مصرف شیشه کودک ۸ ساله‌اش را برای موتورش قربانی کرده و خون او را به بدنه موتور مالیده است!

تنگ پذیرش این جرم آنچنان سنگین است که حامد با وجود دلایل و شواهد محکم همچنان اظهار می‌کند دیگران لباس‌ها و موتورش را به خون فرزندش آغشته کرده‌اند. اما وجود دلایل روشن و شهادت شهود و آثار برجای مانده از جرم صورت‌گرفته جایی برای ادامه دروغویی‌های وی باقی نگذاشته و با تکمیل پرونده

حامد با دستور قاضی راهی زندان می‌شود تا در دنیایی که بسیاری از والدین برای محافظت از فرزندان خویش جان می‌دهند، حامد جزو افرادی باشد که به خاطر کامجویی و ناتوانی در ترک شیشه، کودکان معصومان را قربانی خواسته‌های شیطانی و اعتیاد دیوانه‌وار خود به شیشه می‌کنند.



مرد شیشه‌ای
در حالت توهم
پسر بچه‌اش را
به جای گوسفند
مقابل موتورسیکلتی
که به تازگی خریده بود
قربانی کرد

